

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

۱۵ دسمبر ۲۰۱۴

نامردی!!!

متأسفانه کابل عزیز بعد از آرامش نسبی در چند روز معدود، دیروز ۱۱ دسمبر ۲۰۱۴ با انفجار دو بمب انتحاری آرامش را از دست داد و تعدادی را به خون نشاند. پدیده بمبهای انتحاری در جمعیت انبوه مردم، که توسط عمال بیگانه هر روز اعمال میشود، گرچه ظاهراً خیلی هولناک و ویرانگر است، در حقیقت بزدلانه ترین و نامردانه ترین عملی ست در برابر مردمان بیگانه، اعم از زن، مرد، پیر، جوان و اطفال بی خبر از همه چیز که در اثر این عمل غیر انسانی کشته و زخمی میشوند. افغانان که در برابر دشمن، همیشه مردانه، قد علم کرده و تا آخرین رمق حیات سینه سپر ساخته، از نوامیس خود دفاع میکنند، هیچ گاه به چنین اعمال نامردانه و بزدلانه با دشمن روبرو نشده، بلکه مردوار همه را با مبارزه رویاروی دعوت کرده اند، که خوشبختانه این امتحان را در دو قرن، در برابر دو ابرقدرت زمان – انگلیس و اتحاد شوروی – داده اند. پیدایش غده سرطانی القاعده، که زاینده حوادث خونین در سراسر جهان شد، به تعقیب آن طالبان و اینک تا امروز گروههای مختلف بنیادگرا که با اعمال شنیع در کشتار بیگناهان دست دارند، تحفه انتحاری را هم به آدمکشان به ارمغان آورد. در غیر آن شیرمردان افغان ازین عمل غافلگیرانه؛ یعنی از عقب خنجر زدن جداً خجالت میکشند، چون در میدانهای نبرد، هر بار دلیرانه و رویاروی سر داده اند و یا از دشمن سر گرفته اند. منظومه ای ست در باره نامردی انتحاری:

شنیده ام که جهان را هزار نامردی ست از آن هزار یکی، انتحار نامردی ست
به قتل عام که دور از نصوص اسلامی ست به نام دین و دیانت شعار نامردی ست
همه به فلسفه جبر و اختیار گم اند به جبر میسپرنند اختیار، نامردی ست

اگرچه طالب "علم" اند، از ادب دورند
به شیوه های عجب، می‌کشند مردم را
به مادری که کشیده ست داغ مرگ پسر
زمانه ای ست که یاری ز کس نمی‌بینی
به هرکه قول و قراری به مردی بگذاری
نماد همت و مردانگی سخاوت‌هاست
به همجوار، صداقت کمال انسانی ست
به ضرب بازوی افغان شکست کاخ ستم
ز خصلت بشر اند در فرار، نامردی ست
به زعم من همه این کار، بار نامردی ست
کنند آنچه به این داغدار نامردی ست
اگر نهان، و اگر آشکار نامردی ست
در آخر از همه کس انتظار نامردی ست
رُموز خجالت و مضمون عار نامردی ست
به ما هرانچه کند همجوار نا مردی ست
ولی هرانچه به او شد نثار نامردی ست

به پایمردی، به هرکس، "اسیر" مردی کن

مگو که شیوه این روزگار نامردی ست

(م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت، ۷ دسمبر ۲۰۱۴ع)